

شکل، ساختار و تشکیلات حکومت اسلامی در رسائل دینی ۱۳۵۷-۱۳۴۲

ابراهیم موسی زاده^۱

دانشیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۷ - تاریخ تصویب: ۹۵/۳/۱۱)

چکیده

براساس اسناد تاریخی از جمله رسائل حکومت اسلامی، اندیشمندان و فقهای اسلامی در خصوص حکومت، حاکمیت، دولت، رابطه دولت با شهروندان، نظامات اقتصادی، سیاسی، اداری و مدیریتی حکومت، به ویژه ساختار و تشکیلات حکومت اسلامی نظریه پردازی کرده اند. تأکید صرف بر اجرای احکام اسلامی با محوریت عنوان حکومت اسلامی، یا بحث در مورد مشروطه، شورایی یا جمهوری بودن حکومت اسلامی، بخشی از این نظریه پردازی ها را تشکیل می دهد. گذشته از آن با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب اسلامی، صحبت در مورد نهادها و قوای حکومتی جدی تر و پررنگ تر شده است. به این ترتیب باید گفت هر چند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ و توسط اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی تهیه و تصویب شد، اما مطالعات رسائل حکومت اسلامی گواه است که پس زمینه های فکری و بستر نظری قانون اساسی و قوای سه گانه مندرج در آن، از سابقه ای دیرین برخوردار است. از این رو نظام جمهوری اسلامی و نهادهای برآمده از آن، به عنوان گفتمانی اصیل، ریشه در سال های قبل از پیروزی انقلاب داشته و برخلاف برخی ادعاها موضوعی ارتجالی و آنی نبوده است

واژگان کلیدی

حکومت مشروطه اسلامی، حکومت شورایی اسلامی، حکومت جمهوری اسلامی.

مقدمه

نظریات دولت و مفاهیم و نهادهای برخاسته از آن در شکل مدرن، که در دوره مشروطیت وارد ایران شده است، در مورد شکل، ساختار، اصول، مبانی و ماهیت حکومت و روابط حقوقی حکومت و دولت با شهروندان در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اداری، مالی و... بحث می‌کند. تبیین دقیق مفهوم، جایگاه و کارکردهای این دولت به‌ویژه از منظر و دیدگاه اسلام در زمان کنونی اهمیت فراوانی دارد. همزمان با نهضت مشروطه و ورود مفاهیم جدید مانند پارلمان، قانون اساسی، تفکیک قوا، انتخابات، حقوق شهروندی، آزادی، برابری، مسئولیت و... با رویکرد غربی در جامعه آن روز ایران، چالش‌های فراوانی را در پی داشت که سیری در تاریخ مشروطه ایران، نشان‌دهنده این موضوع است. نکته شایان توجه آنکه بحث دولت و حکومت در ایران در مواردی با خاستگاه غربی آن متفاوت است. جامعه ایران از دیرباز، جامعه‌ای دینی است و دین جزء جدایی‌ناپذیر زندگی مردم این کشور و از ارزش‌های تراز اول محسوب می‌شود.

مسائل مهمی در دولت همچون حاکمیت و منشأ آن، اقتدار حکومت و ساختار آن، وظایف و اهداف دولت، مشروعیت حاکمیت و حکومت، شکل، ساختار و تشکیلات حکومت، اصول، مبانی و اهداف حکومت، جایگاه شهروندان در حکومت و دولت، حقوق و وظایف متقابل شهروندان و دولت، وظایف متعدد دولت نسبت به شهروندان و متقابلاً حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مالی و اداری شهروندان نسبت به حکومت و دولت و... مطرح می‌شوند که در خصوص هر یک از آنها، دین مبین اسلام براساس متون و نصوص اصیل خود به‌ویژه قرآن کریم و متون روایی و حدیثی دیدگاه‌ها و نظرهای خویش را دارد که این دیدگاه و نظرگاه به‌صورت پراکنده و غیرمدون در آثار فقیهان دینی و اندیشمندان اسلامی در تمامی ادوار و اعصار منعکس شده و به یادگار مانده است. آثار و رسائل فوق‌العاده بااهمیت و دست اول در این موضوعات در برهه زمانی خاصی (آغاز شکل‌گیری نهضت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)، از سال ۱۳۵۷-۱۳۴۲) شکل گرفته‌اند که در فهم مفاهیم اساسی دولت و تحول آن در جمهوری اسلامی ایران نقش کلیدی دارند؛ ایده‌هایی که سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین و تصویب قانون اساسی در خصوص مسائل و موضوعات اساسی و در فضای فکری-سیاسی خاص خویش و با مبانی و منابع اسلامی به نگارش درآمده‌اند؛ آثاری که بدون شناخت مفاهیم و مبانی آنها و غور و تفکر در موضوعات آنها، فهم شایسته و کامل نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی فراهم نمی‌شود.

در این مقاله و مبتنی و مستند بر مهم‌ترین این آثار موضوع شکل، ساختار و تشکیلات حکومت اسلامی به بحث و فحص گذاشته می‌شود.

در بند ۱ این مقاله، دیدگاه‌ها و نظرهای مطرح درباره شکل و نظام حکومتی اسلام در آثار مربوط به اندیشه حکومت اسلامی در سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۵۷ بررسی شده است. چنانچه نویسندگان این آثار، نظام حکومت اسلامی مدنظرشان را در قالب قوا، نهادها، تشکیلات و کیفیت اداره آنها، توضیح داده باشند، آن مطالب نیز در بند ۲ جای می‌گیرد.

۱. شکل و نظام حکومتی

الف) حکومت شریعت و قوانین اسلامی (مشروطه)

وجه مشترک بسیاری از نوشته‌های متقدم‌تر این دوره، اشاره به این نکته است که اسلام در عین روشن کردن اصول و اهداف حکومتی خود، مدل و قالب حکومتی خاصی را (به‌ویژه برای دوره غیبت) ارائه نکرده است. از نظر این نویسندگان مقتضیات متغیر زمانی و مکانی و شخصی، در شکل حکومت اسلامی، به‌عنوان امری با وجوه دنیایی، تأثیرگذار خواهد بود. به همین دلیل شرع مقدس آن را مقید به وضع مخصوص و طرز خاصی نکرده است (قلمداران، بی‌تا: ۱۰۹؛ تهرانی، ۱۳۹۶: ۶۷). آرمان صاحبان این دیدگاه، تحقق شریعت و قوانین اسلامی است، به همین دلیل آنچنان که شخص حاکم و کیستی او برای آنها اولویت ندارد، نوع نظامی که محتوای اسلامی شریعت را اجرا می‌کند نیز برایشان دغدغه محسوب نمی‌شود.

برخی نویسندگان ضمن اعتقاد به این دیدگاه، اظهار داشته‌اند که از نظر کلی می‌توان نظام حکومت اسلامی را «حکومت مشروطه» شمرد، به این معنا که حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره، مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول (ص) معین شده است؛ به این دلیل حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۴۳ و ۴۴). به‌دلیل همین وجه تمایز و استقلال ماهوی، استفاده از نام خاص «حکومت اسلامی» ترجیح داده می‌شد (جعفریان، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۸۸).

آیت‌الله سید محمدصادق روحانی^۱ ضمن بیان مطالب مذکور، به‌کار بردن دو اصطلاح «امپراتوری اسلامی» و «تئوکراسی» را که برخی از جمله «دکتر هیکل» مطرح کرده بودند، به‌دلیل مغایرت با روح فرهنگ اسلامی صحیح نمی‌داند و معتقد است که در حکومت اسلامی حکم و قانون الهی حاکم است نه انسان؛ حتی معصوم (ع) نیز حکومتش مشروط به قرآن و وحی خداوند است (جعفریان، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۸۹ و ۴۹۰).

۱. آیت‌الله سید محمدصادق روحانی در کتاب نظام حکومت در اسلام، که طی سال‌های ۵۵ تا ۵۷ سه بار و با شمارگان به‌نسبت وسیع به چاپ رسیده است، مباحث مهمی را درباره حکومت اسلامی مطرح می‌کند، که این اثر را به متنی مهم در این زمینه تبدیل کرده است.

علاوه بر این نویسندگانی که مشروطه را قیدی محتوایی برای حکومت اسلامی می‌دانستند، بودند کسانی که تحقق حکومت اسلامی را در استقرار حکومت ملی با اسلوب قانونگذاری مشروطه (حکومت مردم بر مردم) ممکن می‌دیدند (همان، ج ۲: ۵۷۴ و ۵۷۵). جلال‌الدین فارسی در منشور نهضت اسلامی^۱، در این زمینه حتی از به‌کارگیری واژه «نظام دموکراتیک اسلامی» نیز ابایی ندارد (همان: ۵۷۶). مدل حکومتی پیشنهادی موسوی زنجانی^۲ نیز بسیار قابل تطبیق با حکومت مشروطه موجود در آن زمان بود. وی تحقق اصل شورا را که البته در ادوار مختلف به اشکال متفاوت می‌تواند محقق شود، تأمین‌کننده «حکومت ملی» مطرح می‌کند (موسوی زنجانی، ۱۳۴۲: ۴۹)، البته دیدگاه‌های زنجانی را از نظر تأکید بر اصل شورا می‌توان جزئی از آنچه در بند بعدی آمده است نیز محسوب کرد.

در این دوره، با آثاری مواجهیم که یا مثل اصول پایه و ضابطه‌های حکومت اسلامی بنی‌صدر، فقط به مباحث محتوایی حکومت اسلامی (در قالب نظام توحیدی) می‌پردازند و در خصوص شکل و نظام حکومت اسلامی مطلب روشن و مجزایی ندارند یا هنگام صحبت کردن از شکل حکومت اسلامی، سراغ طرز اداره جامعه می‌روند و بافت و تشکیلات عموماً موازی حکومت اسلامی را مورد بحث قرار می‌دهند. ابعاد حکومت اسلامی نویسنده ای با نام مستعار ج.م و بررسی فشرده‌ای پیرامون طرح حکومت اسلامی مکارم شیرازی^۳ (هر دو منتشرشده در سال ۱۳۵۷) نمونه‌های این دست آثارند.

برای این دست نویسندگان، شکل تحقق حکومت اسلامی محوریت ندارد، بلکه ظاهراً خود حکومت اسلامی مدل اصیلی است که ایضاح نهادها و تشکیلاتش، برای معرفی آن ضروری‌تر است تا گنجاندن آن در یک نظام سیاسی آشنا! آثار علی‌تهرانی^۴ و حتی ولایت فقیه

۱. کتابچه منشور نهضت اسلامی را جلال‌الدین فارسی در سال ۱۳۴۵، در دو بخش؛ نقد رژیم پهلوی و توجیه ضرورت مبارزه با آن و توضیح نظام اسلامی و هدف‌های نهضت علما منتشر کرده است.

۲. کتاب نظام اجتماعی اسلام، به ضمیمه مسئله بردگی، آزادی در اسلام، بلای ربا اثر سید ابوالفضل موسوی زنجانی، که در سال ۱۳۵۰ با پیشگفتاری از سید هادی خسروشاهی منتشر شده است، پیش از آن در خرداد ۱۳۴۲، در پنجمین سالنامه مکتب تشیع، طی مقاله‌ای از همین نویسنده به چاپ رسیده بود.

۳. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در محرم ۱۳۹۹ق، به‌منظور رفع ابهام‌ها و سوء ظن‌ها در مورد مسئله حکومت اسلامی، دست به قلم برده و اثر مختصر، اما راهگشای بررسی فشرده‌ای در مورد طرح حکومت اسلامی می‌نویسد. مطالب نویسنده در این کتاب به دو بخش عمده «خطوط اصلی حکومت اسلامی» و «سیستم حکومت اسلامی» تقسیم شده است.

۴. علی‌تهرانی یک سال پس از جلسات درس ولایت فقیه امام خمینی در نجف، کتاب مدینه فاضله در اسلام را نوشت، که مباحث آن پیوند و شباهت‌های روشنی به گفتار امام خمینی دارد. تا آنجا که اگر نویسنده نام «ولایت فقیه» را بر آن می‌گذاشت، شاید بامسمی‌تر بود. تهرانی در سال ۱۳۵۴، اثر دیگری به‌عنوان طرح کلی نظام اسلامی می‌نگارد که مباحث مطرح در آن بیشتر جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی دارد.

امام خمینی نیز به نوعی در همین دسته آثار جای می‌گیرند، با این تفاوت که به جای تشکیلات، اصول و رئوس حکومت اسلامی موضوع اصلی بحث آنها را تشکیل می‌دهد.

ب) حکومت شورایی اسلامی

در آثار مربوط به حکومت اسلامی، دیدگاه‌های شایان توجهی (از نظر کمی و کیفی) نیز وجود داشت که اصل شورا را در اسلام آنقدر اساسی و مهم می‌دیدند (البته با درجات مختلف)، که تأکید بر «شورایی» بودن حکومت اسلامی، شکل و نظام حکومتی مدنظر صاحبانشان را تا حدی سامان داده است. قلمداران^۱ که به استناد آیات، احادیث، تاریخ اسلام و عملکرد پیامبر (ص) و امت، حکومت اسلامی را حکومتی «مشورتی و انتخابی» مطرح می‌کند، پیشگام طرح جدی این مسئله در این دوره است (قلمداران، بی تا: ۲۰۷-۲۰۵). دقت در فضل و تقوا، و عقل و ایمان و اطلاع اعضای شورا به عنوان اهل حل و عقد و اختیار تام و تمام آنها برای استشاره در تمام مسائلی که تماس با اصلی از اصول اعتقادی و عبادات نداشته باشد، بحث‌های تکمیلی قلمداران را تشکیل می‌دهد. از نکته بدیهی و البته مهم وی نمی‌توان گذشت که با وجود اهمیت وظیفه شرعی شورا، در شرع، قواعد و قانون معینی برای آن وضع و تقریر نیافته است و در انجام آن در هر دوره باید به فرمان عقل و شرع و برحسب اقتضای زمان و شرایط موجود عمل کرد (همان: ۱۰۹).

در همین زمینه، برای مثال موسوی زنجانی از امکان تأسیس شورای مستقلی در هر شهر یا مجلس عالی اتحاد بزرگ اسلامی در مرکز اسلام (مسجدالحرام) و استفاده از متخصصان نظامی، سیاسی، اقتصادی و... در آینده به عنوان اشکالی برای حفظ اصل شورا سخن می‌گوید (موسوی زنجانی، ۱۳۲۲: ۱۹۴-۱۹۲). زین‌العابدین قربانی نیز اصل شورا را یکی از اصول دموکراسی اسلامی می‌داند، که گاه به دلیل امکانات و جمعیت محدود، با دخالت مستقیم و اظهار نظر همه مردم تحقق پیدا می‌کند و گاه به سبب تراکم جمعیت و پراکندگی ایالات که باید مردم افراد ورزیده و پاک‌سرشت و مؤمن را برای کنگره‌ها و مجالس شورا و نظایر آن انتخاب کنند و شورا را محقق سازند که شورا با هیأت حاکمه تبادل نظر کرده تا مردم در سرنوشت خود

۱. حیدرعلی قلمداران که از نمایندگان جریان‌های تجدیدنظرطلب در عقاید شیعی محسوب می‌شود، کتاب حکومت در اسلام را درست پس از شروع نهضت امام خمینی درباره حکومت اسلامی نگاشته است. نویسنده مسئله حکومت از دیدگاه اسلام و ضرورت تشکیل آن را بررسی می‌کند. قلمداران جلد دوم این کتاب را در سال ۱۳۵۸ به «وظایف حکومت اسلامی» اختصاص داده است.

دخالت غیرمستقیم کنند (قربانی، ۱۳۴۷: ۳۶). گلزاده غفوری^۱ نیز که شورا را از مباحث مهم در نظام اسلامی می‌داند، سیستم اداری اسلام را سیستم مسئولیت مشترک تعریف می‌کند (گلزاده غفوری، ۱۳۴۹: ۱۵۰).

سید محمدصادق روحانی در رساله «نظام حکومت در اسلام» در فصلی که به طرز و شکل حکومت اسلامی اختصاص داده، آن را متفاوت از اقسام حکومت‌های موجود در جهان مطرح کرده و برای آن طرز خاصی قائل است که قوه مقننه در آن فقط متعلق به خداست و در اموری که حکم آن روشن نیست، شارع مقدس شورا را تشریح فرموده است. وی در اثبات این امر بحث مجزایی در خصوص شورا در اسلام آورده است (روحانی، ۱۳۵۷: ۷۷-۷۰).

مفتی‌زاده^۲ در بحثی کوتاه درباره حکومت اسلامی بیش از همه، حکومت اسلامی را نظامی شورایی معرفی کرده است. وی دلیل این تأکید را این می‌داند که همه قدرت‌ها در شورا متمرکز است و تنها عنوان سیاسی برای نشان دادن شکل واقعی حکومت اسلامی (در صورت اعاده حیثیت کلمه شورا) تعبیر «حکومت شورای اسلامی» است (مفتی‌زاده، ۱۳۵۷: ۲۴). در این نظام، شورا تنها رکن متشکل اصلی است که کار استخراج قوانین روز از اصول و موازین کلی به آن سپرده شده است و در سطوح مختلف و برای قسمت‌های گوناگون جامعه با شرایط خاص همیشه رکن تصمیم‌گیری است. مفتی‌زاده سپرده شدن تمام اختیارات اداره جامعه به «شورای عالی مملکتی» را اصل و دستوری قرآنی می‌داند. در ضمن این شورا باید ارکانی را تعیین کند، تا زیر نظر و مراقبت دائم آن، شئون گوناگون جامعه را اداره کنند. در این بین شورا، مقید به هیچ قیدی در تقسیم وظایف و تعیین ارکان نیست (همان: ۳۳-۲۱).

این شورا در حکومت اسلامی با پارلمان در حکومت‌های غربی تفاوت‌های زیادی دارد. اختیارات صددرصدی جامعه، حق عضویت طبیعی و اخلاقی و نه حزبی و تبلیغی، عضویت تمام اعضای صلاحیت‌دار (چه کم و چه زیاد)، طول خدمت تا زمان حفظ صلاحیت و امکان خدمت، مبنا بودن کیفیت به جای کمیت در پذیرش و تصویب آراء، حق نظارت عمومی بر شورا و... شماری از این تفاوت‌ها را تشکیل می‌دهد (همان: ۳۱-۲۲).

از نظر مفتی‌زاده در کشوری مثل ایران با ملیت‌ها و مذاهب مختلف، بهتر است که هر منطقه دارای یک ملیت، بنا به علاقه خود مردم به صورت یک واحد شناخته شود و شورایی در

۱. مجموع پنج شب سخنرانی علی گلزاده غفوری، در رمضان ۱۳۸۹ق، تحت عنوان کتاب «نظامات اجتماعی اسلام» در سال ۱۳۴۹ به چاپ رسید، در این کتاب نظامات تربیتی، اقتصادی، حقوقی و نظام رهبری و اداری اسلام مورد بحث قرار گرفته است.

۲. ارکان، مشخصات و خصوصیات حکومت اسلامی، به‌ویژه بحثی درباره رهبری انقلابی، موضوعات اصلی کتاب بحثی کوتاه درباره حکومت اسلامی را تشکیل داده که احمد مفتی‌زاده در پاییز ۱۳۵۷ در مسجد امین سنندج ارائه شده است.

رأس تمام واحدهای مختلف و شوراهای آن مناطق قرار گیرد و برای اطمینان خاطر، نماینده‌ای از طرف شورای عالی در هر منطقه برای تذکر و آگاهی حضور داشته باشد. شوراهای منطقه‌ای، در محدوده کار خود حق قانونگذاری (به‌ویژه در قوانین خاص مذهبی) دارند. در شورای عالی دانشمندان مذاهب در مورد هر موضوع ادله یک‌یک مذاهب را بررسی می‌کنند و هر کدام را که بیشتر با کتاب و سنت منطبق باشد می‌پذیرند (همان: ۳۰ و ۳۱).

ج) حکومت جمهوری اسلامی

حکومت علوی - جمهوری اسلامی امیرصادقی، حکومت جمهوری اسلامی علی مشکینی و حکومت از دیدگاه قرآن و عترت حسن سعید که در سربرگ‌های تمام صفحاتش عنوان حکومت جمهوری اسلامی چاپ شده، سه اثر سال ۱۳۵۷ هستند که حتی عنوان آنها، تلقی نویسندگانشان از نظام حکومتی اسلام؛ یعنی «جمهوری اسلامی» را نشان می‌دهد. یحیی نوری نیز در اثر مختصری که مربوط به همان سال است، تنها شکل حکومتی قابل قبول برای مردم ایران (با ۹۵ درصد مسلمان) را جمهوری اسلامی می‌داند (نوری، بی‌تا: ۶۱).

امیرصادقی^۱ حکومت اسلامی را یک دموکراسی واقعی، معرفی می‌کند که اگر آن را ترکیبی از هر سه قوه مقننه، قضائیه و اجرائیه بدانیم، باید گفت ترکیبی از حکومت خدا و حکومت مردم بر مردم است؛ با این بیان که قانونگذاری فقط در اختیار خداست، اما قضاوت و اجرای قانون به دست صالحان است که نمایندگان همه انسان‌ها هستند. مقصود از حکومت مردم بر مردم البته حکومت شایستگان بر همه است، این اهل حق، در واقع نمایندگان حقیقی انسان‌ها هستند (امیرصادقی، بی‌تا: ۱۹-۱۴). این تصویری است که امیرصادقی در خصوص شکل حکومت اسلامی که مطابق با عنوان کتابش جمهوری اسلامی است، ارائه می‌دهد.

حسن سعید^۲ نیز حکومت اسلامی را «دموکراسی شرعی» می‌داند که در آن مردم موظف‌اند زمامدار خود را تعیین کنند (سعید، ۱۳۹۹ق: ۵۰ و ۵۳). علاوه بر این، در مدلی که سعید پس از اشاره به تأثیر شرایط زمانی، مکانی و جمعیتی در شکل حکومت اسلامی، ترسیم می‌کند، زمامدار کل می‌تواند و بهتر است در تعیین کارگزاران مختلف حکومتی به آرای عمومی رجوع کند و از نظرهای مردم برای انتخاب دقیق‌تر و صحیح‌تر کمک بگیرد. این توضیحات نیز تصور یکی دیگر از این نویسندگان را درباره جمهوری اسلامی نشان می‌دهد.

۱. کتابچه مختصر حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی نصیرالدین امیرصادقی که خلاصه‌ای از سخنرانی‌های نویسنده در

رمضان ۱۳۹۸ق است، سعی در ترسیم چهره حکومت اسلامی دارد.

۲. کتاب حکومت از دیدگاه قرآن و عترت آیت‌الله حسن سعید، در سال ۱۳۵۷ و با موضوعیت حکومت جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است.

آیت‌الله مشکینی^۱ در مقدمه حکومت جمهوری اسلامی خود، معتقد است که حکومت اسلامی در عصر غیبت به شکل جمهوری اسلامی، یعنی حکومت جانشینان عادل امام عصر(عج) و منتخبان صالح توده مردم، تحقق می‌یابد (مشکینی، ۱۳۵۷: ۵). با این حال ایشان در فصل «طرز تشکیل حکومت اسلامی» می‌نویسد که اسلام شکل معینی برای حکومت اسلامی در عصر غیبت تنصیب نکرده، لکن قواعد و قوانینی در مورد این موضوع بیان داشته است که پس از ملاحظه آنها می‌توان به شکل حکومت اسلامی پی برد. وی پس از اشارات گذرایی به بعضی از این اصول، نتیجه می‌گیرد که «بهترین و رساترین تعبیر از تشکیلات اسلامی در حال غیبت امام، حکومت جمهوری اسلامی است» (همان: ۱۷).

آیت‌الله مشکینی در ادامه مختصری از سابقه و مفاد اصطلاح جمهوری آورده است. به این شرح که این واژه در اصطلاح امروز عبارت است از حکومت دموکراسی که سلطانی در رأس آن نباشد و حق حاکمیت با برگزیدگان قاطبه مردم بوده و قدرتش ناشی از اراده عموم باشد که آنها را انتخاب می‌کنند و حکومت را به آنها می‌سپارند. وی اطلاق این کلمه بر موضوع مورد بحث را به دلیل توافق حکومت اسلامی در عصر غیبت با مفاد اصلاحی این لفظ مطرح می‌کند. اما روشن کردن حقیقت این حکومت و نشان دادن قیافه واقعی آن را از مسئله نامگذاری مهم‌تر دانسته و مستقیماً به سراغ تشکیلات حکومت اسلامی در عصر غیبت می‌رود (همان: ۱۸).

هرچند به نظر می‌رسد بخش شایان توجهی از تلاش‌های نویسندگانی که سعی می‌کنند حکومت اسلامی را در قالب جمهوری اسلامی بگنجانند، به مباحث سیاسی روز و طرح جدی این مدل (به‌ویژه در خط‌دهی‌های امام)، برمی‌گردد، نباید این نکته را از نظر دور داشت که طرح نظام جمهوری اسلامی پیش از این نیز مسبوق به سابقه بوده است. برای نمونه می‌بایست به تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط عده‌ای از مبارزان گمنام در سال ۱۳۵۴ اشاره کرد.^۲ در این طرح نخست، می‌بینیم که عنوان حکومت اسلامی به جمهوری اسلامی

۱. قوانین و برنامه اجرایی، هیأت حاکمه و اعضای آن و بودجه مالی حکومت اسلامی، بخش‌های اصلی کتاب حکومت جمهوری اسلامی آیت‌الله علی مشکینی را تشکیل داده که در سال ۱۳۵۷ به رشته تحریر در آمده است.
 ۲. حتی بسیار پیش از آن در سال ۱۳۴۶، اعلامیه‌ای در استان خوزستان منتشر شد که در آن از «حکومت جمهوری اسلامی» سخن رفته است. متن آن به این شرح است: «۱- حکومت باید از طرف هیئت علما اسلام انتخاب شود ۲- حکومت مرکزی اسلامی باید مسلمان مؤمن و عالم به احکام قرآن باشد ۳- فرمانداری شهرستان‌ها باید از طرف هیئت علما شهرستان‌ها انتخاب گردد ۴- هیئت علما مرکزی باید از ۱۴ نفر کمتر نباشد ۵- هیئت علما شهرستان‌ها باید به تناسب جمعیت هر شهرستانی تشکیل شود ۶- تنها راه نجات نسل جوان اجرای حکم قرآن و برقراری حکومت جمهوری اسلام است» (رجوع شود به جلد چهار نهضت امام خمینی اثر حمید روحانی، ص ۷۳ و ۶۰۵).

تغییر یافته و دوم اینکه قانون اساسی برای آن نوشته شده و متن آن برای بسیاری از اندیشمندان و آگاهان سیاسی و حتی مسئولان کشوری و لشکری فرستاده شده است.^۱ بعید به نظر می‌رسد آنهایی که این متن را برای عناصر و چهره‌های گوناگون در ایران (حتی مقامات ژاندارمری و ساواک) پست کرده‌اند، این طرح را با امام در میان نگذاشته و از نظر او نگذرانده باشند. علاوه بر آن، امام (ره) همواره کسانی را در کنار خود داشت که او را از جریان‌های حتی کوچک سیاسی و مبارزاتی که در ایران می‌گذشت، مطلع می‌کردند. از این رو می‌توان گفت مطرح شدن عنوان جمهوری اسلامی از سوی امام در سال ۱۳۵۷ بدون پیش‌زمینه نبوده است (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۲۹-۱۲۷).

۲. نظام و تشکیلات حکومتی

رسائل حکومتی اسلام را، از منظر پرداختن به سیستم، تشکیلات و نهادهای حکومتی می‌توان به دو دوره پیش از سال ۱۳۵۷ و سال ۱۳۵۷، تقسیم کرد. در کتاب‌های دوره اول، جز نوشته‌های مربوط به شورا، آن هم بیشتر در قالب یک اصل و شکل کلی حکومتی در اسلام، مطلب خاصی در مورد تشکیلات حکومت اسلامی مشاهده نمی‌شود.

موارد استثنای این دوره، یکی اشاره گذرای امام خمینی (ره) به «مجلس برنامه‌ریزی» است، که در حکومت اسلامی به جای «مجلس قانونگذاری»، که یکی از سه دسته حکومت‌کنندگان را تشکیل می‌دهد، برای وزارتخانه‌های مختلف در پرتو احکام اسلام برنامه ترتیب می‌دهد و با این برنامه‌ها کیفیت انجام خدمات عمومی را در سراسر کشور تعیین می‌کند (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۴۴). استثنای دیگر بیان این نکته جزئی توسط علی‌تهرانی است که تشخیص اجزای دولت در نظام اسلامی به عهده اهل خبره و عدول امنای جوامع، و نه تمام توده‌هاست. وی این نکته را در مقایسه سبک حکومت اسلامی با روش‌های دموکراسی آورده است (تهرانی، بی‌تا: ۱۳۵). استثنای آخر، اعتقاد به پیش‌بینی پارلمان در حکومت اسلامی، به معنای مرکز مشورتی برای تعیین نحوه اجرای قوانین و تطبیق کلیات بر موارد جزئی و امثال آن، در مقاله‌ای در نشریه درس‌هایی از مکتب اسلام (۱۳۴۸) است (گل‌سرخی کاشانی، ۱۳۴۸: ۳۴).

اما در سال‌های پایانی این دوره (۱۳۵۴ و ۱۳۵۵)، با دو اثر علی‌تهرانی و سید محمدصادق

۱. در این طرح که در صدو هفده اصل تدوین شده است؛ بیست و شش اصل آن به حقوق ملت ایران و نه اصل به وظایف و تکالیف آنها اختصاص یافته؛ باقی اصول به سازمان جمهوری اسلامی ایران در سه رکن مقننه اجرائیه و قضائیه و سازمان ارتش پرداخته است. انتخاب نمایندگان مجلس و رئیس جمهور با رأی اکثریت ملت؛ وجود ۱۵ وزارتخانه و طرح انجمنهای ده و شهر و روستا از جمله نکات کلیدی این طرح حقوقی است. (برای مشاهده متن کامل رجوع کنید به: جلد چهارم نهضت امام خمینی نوشته حمید روحانی؛ صص ۵۳۳-۵۴۹)

روحانی، یعنی طرح کلی نظام اسلامی و نظام حکومت در اسلام روبه‌رو هستیم، که نویسندگان‌شان پرداخت شایان توجهی به موضوع داشته‌اند.

تهرانی از وظیفه دولت اسلامی برای تعلیمات فرهنگی و نظامی گروهی صحبت می‌کند که باید در ضمن کارهای روزانه‌شان به روشنگری و مبارزه تبلیغاتی علیه گناه و فساد بپردازند و به عبارتی در دایره امر به معروف و نهی از منکر عمل کنند. حتی دولت در این زمینه باید به قانونگذاری و تعیین بودجه و حقوق نیز اقدام کند (تهرانی، ۱۳۹۶: ۷۰ و ۷۱). از نهادهای دیگری که تهرانی در این اثر مورد توجه خاص قرار داده است، «دایره قضایی» در حکومت اسلامی است. وی ضمن توضیحاتی درباره اهمیت قضاوت و شرایط قاضی در اسلام، آن را از اجزای حکومت معرفی می‌کند که باید در هر عصری طبق صلاح‌دید و موقعیت‌سنجی و مصالح اجتماعی تشکیل شود، برای مثال یک کانون بزرگ قضایی در هر شهر یا به تعداد مورد نیاز. حکومت اسلامی احکام این محاکم را در صورت به جریان نیفتادن و سر باز زدن محکومان بی‌هیچ تأمل و تساهلی اجرا می‌کند. در این سیستم مردم می‌توانند علیه قضات یا حکام طرح شکایت کنند و باید رسیدگی شود (همان: ۱۴۰-۱۳۷).

در این اثر مطالب مفصلی درباره وظایف و اختیارات حکومت در زمینه‌های اقتصادی، آموزشی و... نیز آمده است، اما چون به نهادها و تشکیلات متولی و اداره‌کننده این دوایر پرداخته نشده است، مورد بحث ما نیز قرار نمی‌گیرند.

سید صادق روحانی در اثر خود به شکل جدی‌تر و کامل‌تری، طی فصلی با عنوان «برنامه حکومت اسلامی»، به بیان کیفیت اداره مملکت، آن هم توسط جمعی منتخب از طرف حاکم اسلامی، به‌عنوان «دولت» می‌پردازد. وی توضیحاتی درباره منصب وزارت می‌دهد، که بعد از حاکم و رئیس از مهم‌ترین مناصب است و سابقه آن را در ادیان الهی (قرآن) و تاریخ اسلام نشان می‌دهد. سپس مختصری در خصوص ضرورت تجزیه قوای مملکتی برای انضباط امور سخن می‌گوید و به سراغ وزارتخانه‌هایی که وظایفشان از منظر اخبار و روایات اهمیت بیشتری دارد می‌رود (روحانی، ۱۳۵۷: ۸۸-۸۵). وزارت فرهنگ، که از طریق آموزش و تعلیم (از طریق متخصصان، با برنامه‌های خاص برای مدارس و به روش‌های اسلامی) به مبارزه با جهل و نادانی می‌پردازد؛ و وزارت بهداری؛ که در راستای سلامت عمومی، عده‌ای را به خواندن طب و جماعتی را برای پرستاری آماده می‌کند و به تجهیز بیمارستان‌ها نیز می‌پردازد، از جمله این وزارتخانه‌ها هستند (همان: ۸۹ و ۹۰).

نویسنده صحبت درباره وزارت اقتصاد را به اصول اقتصاد اسلامی کشانده و در هفت اصل ۱. اشتراک در نیازمندی‌های عمومی، ۲. اشتراک در ثروت‌های عمومی، ۳. اشتراک فقرا در

اموال اغنیا، ۴. انفاق و بخشش، ۵. تعاون عمومی، ۶. برادری امت اسلام، تکافل اجتماعی، و ۷. استقلال اقتصادی، به آنها پرداخته است (همان: ۹۱-۹۸).

علاوه بر وزارتخانه‌های مذکور، تأسیس وزارت کشور؛ برای اجرای طرح‌های اصلاحی داخل کشور، وزارت خارجه؛ برای نظارت بر امور خارجی و وزارت دادگستری؛ برای برقراری عدل و داد را در حکومت اسلامی ضروری دانسته است، به اضافه هر وزارتخانه دیگری که وجود آن برای جامعه اسلامی ضروری باشد. وی برای نمونه ذکری از «وزارت رسیدگی به تظلمات» که در صدر اسلام وجود داشته و خدمات مهمی نیز انجام می‌داده است، می‌کند و کارهای آن را توضیح می‌دهد (همان: ۱۰۰ و ۱۰۱).

روحانی این فصل را با نکاتی درباره عدم مصونیت قضایی وزرا (چه در جرم سیاسی و چه در جرم‌های جنایی)، خطر ریاست و اهمیت نیروی پلیس برای حفظ نظم و امنیت داخلی، به پایان می‌برد (همان: ۱۰۵-۱۰۲).

از آثار این دوره که بگذریم، به سال ۱۳۵۷ می‌رسیم، سالی که به دلیل پیشرفت و پیروزی نهایی انقلاب اسلامی و حتی تحقق نسبی حکومت اسلامی، بسیاری از نویسندگان مذهبی را واداشت تا به پرسش‌ها و شبهات جدی مطرح‌شده درباره حکومت اسلامی، پاسخ دهند. نظام حکومت اسلامی و نحوه اداره جامعه بخش مهمی از این پرسش‌ها را تشکیل می‌داد، که در ادامه بحث می‌شود.

نظریات مطرح در این آثار درباره تشکیلات و نظام حکومت اسلامی همه در یک سطح نیستند و کمیت و کیفیت متفاوتی دارند. شاید ساده‌ترین و مختصرترین پرداخت به این موضوع را در حکومت علوی - جمهوری اسلامی امیرصادقی می‌توان دید. وی در این اثر برای حکومت اسلامی دو نوع مجلس فتوا و شورا، قائل است. نویسنده در مطالب مربوط به مجلسین هرچند به «دولت»، اشاره‌ای می‌کند، توضیحی درباره آن، نه در اینجا و نه در صفحات بعدی اثر نمی‌دهد. گویا از نظر او، مسئله روشن بوده و احتمالاً با مدل موجود زمان تطبیق داشته است، ولی صحبت درباره مجالس را ضروری می‌بیند.

مجلس فتوا، متشکل از فقهایی که از راه گواهی اهل خبره و اقبال عمومی مردم انتخاب شده‌اند، سه وظیفه بزرگ بر عهده دارد: ۱. بیان حقوق دولت و ملت برابر هم و بیان وظایف ثابت هر کدام نسبت به یکدیگر، و این در اصطلاح قوانین اساسی است؛ ۲. بیان وظایف شرعی و اخلاقی مردم نسبت به خدا و خلق؛ ۳. نظارت بر مجلس شورا و دولت وقت. به این ترتیب مجلس فتوا به‌تنهایی عهده‌دار مجلس مؤسسان، مبعوثان و سناسست. مجلس شورا نیز که اعضای آن برگزیدگان صالح ملت‌اند، سه وظیفه بزرگ دارد: ۱. مشورت برای حل مشکلات سیاسی و اجتماعی؛ ۲. عقد و فسخ قراردادهای نظامی و اقتصادی و فرهنگی؛ و ۳. وضع و

تصویب قوانین موقت به اقتضای شرایط متغیر زمان و مکان، یعنی احکام ولایتی که به بعضی از آنها احکام ثانوی و مصلحتی هم گفته می‌شود (امیرصادقی، بی‌تا: ۲۵ و ۲۶).

ناصر مکارم شیرازی، بافت حکومت اسلامی را مانند حکومت‌های دموکراسی (البته با تفاوت‌های بسیار)، متشکل از سه گروه «مشورتی»، «اجرایی» و «قضایی» می‌داند، با این تفاوت که اعضای هیأت مشورتی که با نظر عموم مسلمین تعیین شده‌اند (با ذکر این نکته که مشارکت مستقیم برای همه عملی و به صلاح نیست)، باید قوانین اسلام را به‌عنوان قانون اساسی مدنظر داشته باشند و انحرافی از آن پیدا نکنند. برای این منظور جمعی از دانشمندان اسلامی می‌بایست بر مصوبات آنها نظارت کنند (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۵۸ و ۵۹).

مکارم در مورد هیأت اجرایی، به صفاتی همچون اسلام و ایمان، عدالت و صاحب‌نظری در مسائل اسلامی و آگاهی و بینش در مسائل اجتماعی و سیاسی اشاره می‌کند. توضیحات تکمیلی نویسنده نشان می‌دهد که در این بخش بیشتر رأس هیأت اجرایی را در نظر داشته است؛ به‌ویژه آنجا که از معرفی واجدین شرایط مذکور، به‌عنوان نامزدهای تصدی این امر به جامعه و انتخاب شایسته‌ترین آنها با آرای مستقیم، یا غیرمستقیم (از طریق نمایندگان)، توسط مردم سخن می‌گوید. ایشان البته در زمینه جمع دو شرط صاحب‌نظری در مسائل اسلامی و آگاهی سیاسی و اجتماعی، همراهی متخصصان و صاحب‌نظران این دو سطح را نیز مطرح می‌کند (همان: ۵۹ و ۶۰).

در مورد هیأت قضایی نیز نویسنده پس از ذکر شرایطی مثل آگاهی، عدالت و ...، نکاتی را درباره دادرسی در حکومت اسلامی می‌آورد. اینکه از دادگاه‌های متعدد، مانند دادگاه نظامی، عادی، کارمندان دولت و ... خبری نیست و همه دادگاه‌ها شعب یک دادگاه‌اند و یکسان درباره همه رفتار می‌شود، یا اینکه «سرعت و دقت» دو اصل حاکم بر این دادگاه‌هاست و دادرسی اسلامی معمولاً یک‌مرحله‌ای است و ...، که از جمله این نکات هستند (همان: ۶۱ و ۶۲).

تأکید بر نقش و اهمیت ارتش، اختیارات اقتصادی و وظایف تربیتی و آموزشی حکومت اسلامی از دیگر موضوعاتی است که در این اثر می‌توانسته به بحث نهادسازی برسد.

اما یحیی نوری^۱ در دیدگاه‌های سال ۱۳۵۷ خود، لزوم وجود ارتش ثابت برای حکومت اسلامی را نفی کرده و معتقد است در موقع لازم هر مسلمانی ارتشی و سربازی خواهد بود و به همین دلیل یک دوره آموزش نظامی همگانی را ضروری دانسته است. البته از نظر وی،

۱. کتاب سیستم حکومت اسلامی یحیی نوری، که در سال ۱۳۴۳ به چاپ رسیده و به انگلیسی نیز ترجمه شده، بخشی از کتاب اسلام و عقاید و آراء بشری ایشان است که با نوشتن آن، مؤلف موفق به اخذ مدرک دکتری از دانشگاه تهران شده است. نوری در سال ۱۳۵۷ نیز، در اثری، پیرامون چگونگی حکومت اسلامی و کیفیت پیدایش انقلاب، مطالب مختصری آورده است.

مقداری کادر نظامی همیشگی در صورت ضرورت موجه است، اما نه با خرج‌های بیهوده و فراوان! (نوری، بی تا: ۴۴ و ۴۵).

نوری در سال ۱۳۵۷، برخلاف اثر سال ۱۳۴۲ خود و به ضرورت شرایط روز به ارائه طرحی کلی از شکل حکومت اسلامی؛ شامل قوه مجریه، مقننه و قضائیه، می‌پردازد. در این طرح، قوه مقننه، عبارت است از «مجلس فتوا»؛ متشکل از مجتهدان، فقها و حقوقدانان متخصص اسلامی و «مجلس شورای اسلامی»؛ مرکب از کارشناسان صاحب‌نظر و باتقوا و نمایندگان امت اسلامی، به اضافه نمایندگان اقلیت‌ها، که نصب و بازخواست دولت، به‌عنوان «قوه مجریه» به عهده آن است. البته مجلس در این نظام حکومتی، مفسر و تطبیق‌دهنده اصول تعالیم و کلیات اسلام بر مسائل و شرایط جاریه جامعه است. این جهت و جهات فراوان دیگر است که وجود مجلس فتوا در کنار مجلس شورا، ضرورت پیدا می‌کند (همان: ۲۲).

در مورد «قوه اجرائیه»، نوری ابتدائاً برای همه مردم (طبق اصل امر به معروف و وجوب اجرای قوانین اسلام) در حد خاص و مشخصی قدرت اجرایی قائل است. اما بقیه قدرت و تجمع قوای امت را متعلق به دولت می‌داند (همان: ۲۳) برای «قوه قضائیه» نیز معتقد به استقلال کامل بوده و آن را به‌نحوی در مسئولیت اجرایی جامعه سهیم دانسته است. از نظر نوری مجلس فتوا و شورا براساس صلاحیت‌های مطرح، به رئیس قضایی رأی اعتماد خواهند داد و در صورت مشاهده تخلف از او سلب اعتماد می‌کنند و این‌گونه نتیجه می‌گیرد که مقامات قضایی منبعث از اراده قوه مجریه و شخص حاکم نیست (همان: ۳۰-۲۳).

از نظر احمد مفتی‌زاده، مهم‌ترین ارکان فرعی حکومت اسلامی که هر کدام استقلال کامل دارند و فقط شورا بر آنها نظارت دارد، عبارت‌اند از: ۱. قوه قضائیه یا دادگستری، ۲. قوه اجرائیه یا دولت، ۳. قوه دفاعیه یا ارتش و ۴. قوه مالیه یا بیت‌المال. به اعتقاد او، قوه قضائیه، مسئول رسیدگی به جرائم و جنایات و دعاوی و اختلافات اشخاص حقیقی و حقوقی است که موازین مورد استنادش در کتاب‌های فقهی مذاهب اسلامی، به‌طور مشروح بیان شده است. در جامعه اسلامی پست «وزارت دادگستری»، به دلیل اینکه وزیر باید تابع دولت باشد و این با استقلال این قوه معارض است، وجود ندارد. دولت نیز، عهده‌دار تمام شئون اجتماعی است، جز آنچه شورا به عهده دارد، یا به ارکان دیگر سپرده شده است (مفتی‌زاده، ۱۳۵۷: ۳۴).

چون وظایف ارتش از وظایف اساسی همه مسلمانان است، از نظر مفتی‌زاده، دوره اجباری خدمت در اسلام مطرح نیست، بلکه شورا وظیفه دارد فنون دفاع را در اثنای آموزش عمومی، به همه مسلمانان تعلیم دهد. از نظر وی، ارتش برای استقرار در مرزها به کادر ثابت داوطلبی نیاز دارد و حفظ انتظامات داخلی، به عهده پلیسی است که مستقیماً در اختیار و تحت فرماندهی قوه قضائیه است. مفتی‌زاده این نکته را نیز می‌آورد که در صورت پیروزی انقلاب

اسلامی، حکومت اسلامی وظیفه دارد از ارتش عریض و طویل، که به نظر او واحدی مصرف‌کننده و بی‌خاصیت است، برای کارهای تولیدی و خدمات گوناگون استفاده کند (همان: ۳۵).

قوة مالیه نیز باید اقتصاد جامعه را به‌نحوی تنظیم کند که انتقال از نظام طاغوتی تولید و مصرف را به‌سوی اقتصاد توحیدی مقدور سازد. نویسنده بحث درباره ارکان و مشخصات اقتصاد اسلامی را خارج از ظرفیت رساله کوتاهش می‌داند (همان: ۳۶). مفتی‌زاده در خاتمه این بحث برای از بین بردن احتمال پیدایش استبداد، پیشنهاد می‌کند شورا دو قوة «دفاعی» و «مالی» را از قوة اجرایی جدا کند (همان: ۳۸).

حسن سعید نیز در حکومت از دیدگاه قرآن و عترت با توجه به الزامات جهان روز و توسعه کارها، دسته‌بندی رایج در دنیای کنونی؛ یعنی تفکیک قوا به، مقننه، مجریه و قضائیه، را از نظر اسلام، به شرط رعایت مصلحت، مدنظر قرار دادن کفایت کارمندان و نظارت بر کار دیگر قوا، به‌ویژه زیردستان، بلامانع می‌داند (سعید، ۱۳۹۹ق: ۵۷).

«قوة مقننه»، که در واقع طرح‌ریز و آیین‌پرداز حکومت اسلامی است، باید از مردانی باتجربه و کاردان و رجالی آشنا با دین و قوانین اسلامی برای نظارت بر کارها و کنترل و راهنمایی دولت تشکیل شده باشد. این قوه با در نظر گرفتن مصلحت اجتماع، منطبق با معیارهایی که در شرع مقدس اسلام معین شده است، مقررات و آیین‌نامه‌هایی قابل درک و اجرا در محیط فعلی را تنظیم می‌کند و برای اجرا، تحویل دولت می‌دهد. یا اینکه طرح‌های دولت را از این مناظر بررسی می‌کند و درباره آنها نظر می‌دهد. حاکم اسلامی، برای شناخت و انتخاب این اعضای شایسته، به آرای عمومی مراجعه می‌کند. در بین آنها باید رجالی با تخصص‌های مختلف وجود داشته باشد، از همه مهم‌تر در رشته فقه شیعی و اسلامی! (همان: ۵۷ و ۵۸).

به این ترتیب «دسته مقننه» (تعبیر از حسن سعید است)، به گروه‌های مختلف در رشته‌های گوناگون تقسیم می‌شوند و نتیجه مذاکرات خود را به کمیسیون متشکل از فقهای اسلامی، عرضه می‌کنند و پس از طرح و تصویب در این کمیسیون، مصوبه در مجلس عمومی مطرح می‌شود. تعداد این گروه و مدت خدمت آنها و طرز کار و تشکیلات آن، بسته به نظر قائد اعظم است. او می‌تواند همین نظر را به ملت عرضه کند و پس از گرفتن آرای عمومی با اطمینان بیشتر، حدود مقررات و وظایف آنها را تعیین کند و خود بر کار آنها نظارت مداوم داشته باشد (همان: ۵۹ و ۹۰).

در مورد انتخاب رئیس‌جمهور، کارکنان و تعیین وزارتخانه‌های قوة مجریه یا دولت نیز تقریباً همین ترتیب مذکور، اعمال می‌شود. سعید، صحبت در مورد اهمیت قضاوت و شرایط

قاضی را به شیوه رایج در توضیح «قوة قضائیه» آورده است (همان: ۶۳-۶۱). وی در بحث درباره دارایی و درآمد حکومت اسلامی نیز نکاتی درباره بیت‌المال مسلمین می‌آورد (همان: ۶۵ و ۶۶). آیت‌الله مشکینی، حکومت جمهوری اسلامی را در عصر غیبت، با تشکیل سه گروه یا به تعبیر دیگر، سه مجلس محقق می‌بیند: ۱. گروه افتا، ۲. گروه شورا و ۳. گروه اجرا. هر یک از این گروه‌ها، از میان خود فردی لایق‌تر و مدبرتر را به‌طور موقت به ریاست مجلس خود انتخاب کنند (مشکینی، ۱۳۵۷: ۱۸).

«گروه افتا» که قوة مقننه و متصدیان قوانین مصوبه‌اند، در حقیقت همان اعضای مجلس مؤسسان در اصطلاح این عصرند، با این تفاوت که «مجلس افتا» مستمر، دائمی و تغییرناپذیر است. اگرچه اعضای گروه تغییرپذیر است و علت استدامه آن این است که گذشت زمان و تبدل اوضاع و احوال جوامع تأثیری در تبدل و تغییر احکام کلی الهی ندارد، و عروض و حدوث تغییر و دگرگونی در موضوعات احکام، در تبدل موضوع و بالنتیجه در تغییر حکم بی‌اثر نیست (همان: ۲۷). اعضای گروه افتا، باید از میان فقها و دانشمندان علوم دینی، به‌وسیله معرفی و تعیین اهل خبره و مطلع و افرادی که خود متخصص‌اند یا بهره‌افری از علوم اسلامی، به‌ویژه فن فقه و استنباط احکام دارند، انتخاب شوند (همان: ۲۸).

گروه دوم؛ «گروه شورا»، همان وکلای انتخاب‌شده از طرف ملت‌اند که طرح‌های مختلف امور مربوطه کشور را مطالعه و بررسی می‌کنند و براساس مصالح عامه کشور و ملت به تصویب می‌رسانند و سپس تحویل «گروه اجرایی» می‌دهند، تا به مرحله عمل درآید. البته عده‌ای از مجتهدان یا فقها و متخصصان مسائل اسلامی (منصوب از طرف گروه افتا) باید بر این مصوبات نظارت داشته باشند. در واقع کار اساسی گروه شورا، رسیدگی به اوضاع کشور و تصویب برنامه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است (همان: ۲۸ و ۲۹). در مصوبات و تصرفات آنها، رضایت یکایک افراد شرط نیست. حتی اگر احیاناً ماده مصوبه‌ای، سبب اضرار شخصی، یا عملی تحمیلی و اجباری به برخی افراد شود، مصالح عامه مجوز این خواهد بود که فقیهان و کلا، روی ولایت عامه خود، ماده مصوبه را تنفیذ کنند (همان: ۳۱).

گروه سوم؛ «گروه اجرا» هستند که در اصطلاح امروز «هیأت وزرا»، نامیده می‌شوند، که مرکب است از عده‌ای خاص که از طرف هیأت وکلا، برای اجرای برنامه‌های تصویبی و پیاده کردن مصوبات مجلس شورا انتخاب و تعیین می‌شوند. وظایف آنها، تعیین اشخاص واجد شرایط برای پست‌های پایین‌تر، تقدیم لوایح قابل بررسی و تصویب به مجلس شورا، پخش برنامه‌های تصویبی، صادر کردن دستور اجرا، نظارت کامل بر وظایف مجریان و... است. تعداد این گروه براساس نیاز و تنوع جامعه، وسعت کشور و گستردگی ابعاد تمدن، قابل زیادت و کمی است (همان: ۳۵).

درباره شعبه‌ای از این گروه (اعضای وزارت دادگستری) و هیأت‌های قضایی در تمام سطوح، آنها باید در امور مربوط به قضاوت، حائز شرایط اجتهاد و قدرت استنباط فروع از مدارک اولیه باشند و هیچ‌کس از غیر صاحب این عنوان حق تصدی این منصب را ندارد. در وزارتخانه‌های دیگر تصرف در نفوس ملت، براساس انتخاب آنها از ناحیه گروه شورا که در میان آنان فقهای جامع‌الشرایط نیز هستند، کفایت در تحقق این موضوع می‌کند (همان: ۳۷-۳۵). در اینجا از شرح برنامه‌های اجرایی یک‌یک وزارتخانه‌ها و تفصیل طبقات کارمندان صرف‌نظر می‌شود.

در نهایت نویسنده گمنام کتاب *ابعاد حکومت اسلامی (ج.م)*، نهادهای سه‌گانه زیر را برای تشکیل حکومت اسلامی، برمی‌شمرد:

۱. مجلس عالی، ۲. مجلس شورا و ۳. دستگاه اجرایی یا دولت. مجلس عالی در تعبیر دیگری همان مجلس فتوا، معرفی شده است، که در کنار مجلس شورا، اعضای دستگاه اجرایی را، برای اجرای مقررات و قوانین اسلامی تعیین می‌کند. در این بیان مختصر، مجلس عالی بر مصوبات مجلس شورا، نظارت خواهد داشت (ابعاد حکومت اسلامی، ۱۳۵۷: ۴ و ۵).

نتیجه

در مورد نوع نگاه به نظام و سیستم حکومت اسلامی می‌توان گفت که نویسندگان رسائل دوره مورد مطالعه، در عین تأکید بر اینکه اسلام، تعیین و تشخیص شکل حکومتی‌اش را در چارچوب اصولی مشخص، به خود امت اسلامی سپرده است، بعضی مدل‌ها را اصیل‌تر و منطبق‌تر بر شرایط زمانی خود تشخیص می‌دادند. شورایی بودن حکومت اسلام، اصیل‌تر، اصولی‌تر و مهم‌تر تلقی شده است. در نظر عده‌ای از آنها، حکومت اسلامی با شرایطی در نظام مشروطه، قابلیت تحقق دارد.

هستند نویسندگانی که در این دوره، صرفاً بر نظام خاص و خالص اسلامی تأکید داشته و تلاشی برای انطباق و گنجاندن نظام حکومت اسلامی، در یکی از مدل‌های مطرح سیاسی نداشتند. اما نظام جمهوری اسلامی طرحی بود که در سال ۱۳۵۷، به‌طور گسترده‌تر مطرح و پیگیری شده است. گویا؛ مواضع سیاسی امام خمینی (ره) و انقلابیون و سیر حوادث انقلاب، در طرح جدی و نظری این مسئله در رسائل این سال، بی‌تأثیر نبوده است.

به این ترتیب می‌توان گفت، سه مدل غالب، ۱. حکومت شریعت اسلامی (مشروطه/مقید)، ۲. حکومت شورایی اسلامی و ۳. حکومت جمهوری اسلامی، به‌عنوان نظام‌ها و اشکال حکومت اسلامی مورد بحث قرار گرفته است.

تشکیلات و تفکیکی که برای قوای حکومت ترسیم شده است، تا حدی تفکیک قوای مشهور جهانی، و همان قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه است. این آثار با طرح مسائلی مثل وجود و فعالیت مجلس افتا (به‌تنهایی یا در کنار مجلس شورا)، تفکیک و معرفی قوه نظامی و اقتصادی، ترسیم مجلس شورای تصمصیم‌ساز، با قدرت نظارتی بالا و...، حرف‌های متفاوت و بدیعی نیز براساس مبانی اسلامی مطرح می‌کنند. البته بخشی از این ارکان اسلامی، قابل تطبیق با نهادهایی مثل مجلس خبرگان قانون اساسی، خبرگان رهبری، شورای نگهبان و ... هستند. این مباحث تقریباً همه مربوط به آثار سال ۱۳۵۷ است و در آثار سال‌های قبل‌تر، مسئله تفکیک قوای حکومتی موضوعیتی ندارد.

منابع و مأخذ

۱. ابعاد حکومت اسلامی (۱۳۵۷). ج.م. قم: نشر صالح.
۲. امیرصادقی، ناصرالدین (بی‌تا). حکومت علوی، جمهوری اسلامی، بی‌جا: بی‌تا.
۳. انتقام (نشریه داخلی حوزه علمیه قم) (۱۳۷۹). به کوشش سید هادی خسروشاهی، تهران: کلبه اشراق.
۴. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت (۱۳۴۱). سید محمدحسین طباطبایی و دیگران، چ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۷۶). تاریخ اندیشه سیاسی قرن بیستم، تهران: نشر نی.
۶. بعثت (نشریه داخلی حوزه علمیه قم) (۱۳۷۹). به کوشش سید هادی خسروشاهی، تهران: کلبه اشراق.
۷. بنی صدر، ابوالحسن (بی‌تا). اصول پایه و ضابطه‌های حکومت اسلامی، بی‌جا: بی‌تا.
۸. تهرانی، علی (بی‌تا). طرح کلی نظام اسلامی، مشهد: چاپخانه خراسان.
۹. ----- (بی‌تا). طرح کلی نظام اسلامی، با پیشگفتاری از حمید عنایت، چ چهارم، بی‌جا: حکمت.
۱۰. ----- (بی‌تا). مدینه فاضله در اسلام، مشهد: کتابفروشی جعفری.
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۵). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، چ ششم، قم: مؤلف.
۱۲. ----- (۱۳۸۶). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، چ هفتم، قم: مؤلف.
۱۳. ----- (۱۳۸۴). رسائل سیاسی - اسلامی دوره پهلوی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲ و ۱.
۱۴. -----، رسائل سیاسی - اسلامی دوره پهلوی، ج ۳ (قابل دسترسی در سایت 4shared.com)
۱۵. حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۵). اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.
۱۶. خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، چ بیست‌وچهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۷. دزایی، علی (۱۳۸۹). جریان‌شناسی سیاسی در ایران، چ ششم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. روحانی، سید حمید (۱۳۹۰). نهضت امام خمینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۴.
۱۹. روحانی، سید محمدصادق (۱۳۵۷). نظام حکومت در اسلام، چ سوم، بی‌جا: نشر مکتبه امام صادق (ع).
۲۰. سعید، حسن (۱۳۹۹). حکومت از دیدگاه قرآن و عترت، بی‌جا: فدک.
۲۱. شریعتی، علی (۱۳۵۷). امت و امامت، بی‌جا: قلم.
۲۲. صاحب‌الزمانی، ناصرالدین (۱۳۴۵). دیباچه‌ای بر رهبری، تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
۲۳. صدر، سید محمدباقر (بی‌تا). سرچشمه‌های قدرت در حکومت اسلامی، ترجمه اکبر ثبوت، تهران: روزبه.
۲۴. صدری طباطبایی نائینی، سید محمد (۱۳۷۸). راهنمای مطبوعات ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱ و ۲.
۲۵. طائی حسنلوئی، سلیمان (۱۳۸۶). امام خمینی و جریان‌های حوزه علمیه قم در دهه ۴۰ و ۵۰، قم: مرکز نشر هاجر.

۲۶. طباطبایی، سید جواد (۱۳۸۲). درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: کویر.
۲۷. عباسی، رمضان (بی تا)، مختصر توضیحی در چگونگی حکومت اسلامی و رژیم شاهنشاهی و پاسخ به بعضی از سؤالات، بی جا.
۲۸. عمید زنجانی، عباسعلی و ابراهیم موسی زاده (۱۳۸۸). بایسته های فقه سیاسی، تهران: مجد.
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). دانشنامه فقه سیاسی، تدوین و تنظیم: ابراهیم موسی زاده، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱.
۳۰. غفوری، علی (۱۳۴۹). نظامات اجتماعی در اسلام، تهران: حسینیه ارشاد.
۳۱. فارسی، جلال الدین (۱۳۴۹). انقلاب تکاملی اسلام، تهران: آسیا.
۳۲. ----- (بی تا). تکامل مبارزه ملی، بی جا: بی نا.
۳۳. فیرحی، داوود (۱۳۹۱). فقه و سیاست در ایران معاصر، چ دوم، تهران: نشر نی.
۳۴. فهرست کتاب های چاپی فارسی از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵ (۱۳۵۲)، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲ جلد.
۳۵. قادری، حاتم (۱۳۸۷). اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، چ نهم، تهران: سمت.
۳۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب سال ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸) (۱۳۸۰)، چ ششم، تهران: ریاست جمهوری.
۳۷. قلمداران، حیدرعلی (بی تا)، حکومت در اسلام، بی جا: کتابفروشی اسلامی.
۳۸. قربانی، زین العابدین (۱۳۴۷). «مسئولیت همگانی»، ماهنامه درس هایی از مکتب اسلام، سال دهم، ش ۱، دی ماه
۳۹. کتابشناسی موضوعی ایران سال های ۴۳-۴۸ (۱۳۵۲). زیر نظر احسان یارشاطر، به کوشش حسین بنی آدم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۰. کدیور، محسن (۱۳۷۶). نظریه های دولت در فقه شیعه، تهران: نشر نی.
۴۱. گرامی، محمدعلی (بی تا). نگاهی به سیستم سیاسی اسلام، تهران: کانون نشر پژوهش های اسلامی.
۴۲. مرادی، علی اصغر و اباصلت فروتن (۱۳۸۹). واژه نامه فقه سیاسی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
۴۳. مشکینی، علی (۱۳۵۷)، حکومت جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات یاسر.
۴۴. مظفریان، منوچهر (۱۳۵۴). رهبری و مدیریت در اسلام، تهران: مطبوعاتی هدف.
۴۵. مفتی زاده، احمد (بی تا). بحثی کوتاه درباره: حکومت اسلامی، بی جا: بی نا.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر (بی تا). بررسی فشرده ای پیرامون طرح حکومت اسلامی، قم: مطبوعاتی هدف.
۴۷. مودودی، ابوالاعلی (بی تا). برنامه انقلاب اسلامی، ترجمه غلامرضا سعیدی، قم: شفق.
۴۸. موسوی زنجانی، سید ابوالفضل (۱۳۵۰). نظام اجتماعی اسلام به ضمیمه بردگی، آزادی در اسلام، بلای ربا، قم: دارالتبلیغ اسلامی.
۴۹. ----- (۱۳۴۲). «نظام اجتماعی اسلامی»، سالنامه مکتب تشیع، ش پنجم.
۵۰. ناینی، شیخ محمدحسین (۱۳۷۸). تنبیه الامه و تنزیه الامه، با توضیحات و مقدمه محمود طالقانی، چ نهم، تهران: سهامی انتشار.
۵۱. ----- (۱۳۸۵). تنبیه الامه و تنزیه الامه، با مقدمه و تصحیح و شرح روح الله حسینیان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵۲. نوروز مرادی، کورش (۱۳۸۲). راهنمای مطبوعات اسلامی، قم: دلیل ما.
۵۳. نوری، یحیی (۱۳۵۷). اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام، چ هشتم، تهران: مجمع معارف اسلامی.
۵۴. ----- (بی تا). حکومت اسلامی و تحلیلی از نهضت حاضر، بی جا: مجتمع معارف اسلامی.
۵۵. ----- (۱۳۴۴). سیستم حکومت اسلامی، بی جا: فراهانی.
۵۶. نوری علاء، اسماعیل (۱۳۵۷). جامعه شناسی سیاسی تشیع اثنی عشری، چ اول، تهران: ققنوس.
۵۷. وشنوی، قوام الدین (بی تا). وظیفه مردم در زمان غیبت، قم: مؤسسه احیاء و نشر میراث اسلامی.